## فهرست مطالب

[فهرست مطالب 1](#_Toc426136641)

[خطبه اول 2](#_Toc426136642)

[ماه بهار قرآن، ماه بهار مستمندان 2](#_Toc426136643)

[بررسی آیات سوره بقره در باب انفاق 2](#_Toc426136644)

[بررسی آیات انفاق در تفسیر المیزان 3](#_Toc426136645)

[ابعاد انفاق 3](#_Toc426136646)

[نیت اصلی انسان هنگام انفاق 3](#_Toc426136647)

[بررسی آیات انفاق در تفسیر کشف الأسرار میبدی 4](#_Toc426136648)

[اصحاب صفّه 5](#_Toc426136649)

[آثار انفاق 5](#_Toc426136650)

[پنج رکن اصلی انفاق 7](#_Toc426136651)

[خطبه دوم 8](#_Toc426136652)

[عظمت حضرت خدیجه (س) 8](#_Toc426136653)

[توصیه‌ای به خواهران 9](#_Toc426136654)

[سالگرد شهادت حضرت آیت‌الله شهید صدوقی 9](#_Toc426136655)

[انتخابات ریاست جمهوری 10](#_Toc426136656)

[مراکز اصلی قدرت در ایران 10](#_Toc426136657)

## خطبه اول

**أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم بسم الله الرّحمن الرّحیم****نَحْمَدُهُ عَلَی مَا کَانَ وَ نَسْتَعِینُهُ مِنْ أَمْرِنَا عَلَی مَا یَکُونُ****[[1]](#footnote-1)و نؤمن به و نتوکّل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور أنفسنا و سیّئات أعمالنا و نصلّی و نسلّم** **علی سیّدنا و نبیّنا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا أبو القاسم محمّد (ص)،** **و علی آله الأطیبین الأطهرین** **أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم بسم الله الرحمن الرحیم** **یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُواْ اتَّقُواْ اللّهَ وَ کونُواْ مَعَ الصَّادِقِینَ** [[2]](#footnote-2)**عِبَادَ اللَّهِ أُوصِیکمْ و نَفسِی بِتَقْوَی اللَّه** **و ملازمة أمره و مجانبة نهیه** **فتجهّزوا عباد الله فقد نودی فیکم بالرحیل[[3]](#footnote-3) و تزوّدوا فإنّ خیر الزّاد التقوی**

## ماه بهار قرآن، ماه بهار مستمندان

در ماه مبارک رمضان همه اعمال نیک اجر مضاعف و ثواب چند برابر دارد و از اموری هم که مؤکداً در این ماه به آن توصیه‌شده است انفاق و اطعام و رسیدگی به محرومان است و از اسرار قطعی باب صوم که در احادیث متعدد هم به آن اشاره‌شده این است که ماه مبارک رمضان هم ربیع القرآن است و هم ربیع الفقراء است.

ماهی است که هم بهار قرآن و دعا و عبادت است و هم بهار مستمندان و رسیدگی به فقیران است و زیبا است که در روایات هم این دو باهم به‌کاررفته‌اند یعنی بعد عبادی روزه و ارتباطی که روزه باید بین انسان و خدا ایجاد بکند با بعد اجتماعی آن و ارتباطی که باید بین ما و مستمندان ایجاد بکند درهم‌آمیخته است.

در این ماه بحث انفاق که فلسفه اصلی آن‌هم وصول به کمالات روحی و معنوی است و هم رسیدگی به دیگران است بسیار ارزشمند است. در سوره بقره از آیه 261 تا آیه 274 تقریباً از ابتدا تا انتها روی مسئله انفاق و بخشش درراه خدا تأکید شده است.

## بررسی آیات سوره بقره در باب انفاق

در سوره بقره از آیه 261 تا بیست آیه بعد آیاتی است که چهارده آیه آن مربوط به انفاق درراه خدا است و بعدازآن هم چند آیه مشهور در باب ربا نازل‌شده است. درواقع این بیست‌وچند آیه‌ای که اواخر سوره مبارک بقره است به دو مطلب و مسئله بسیار مهم اجتماعی اشاره‌کرده است: یکی انفاق به‌عنوان یک فضیلت و وظیفه اسلامی وایمانی و یکی هم ربا و تخلف از معیارهای اقتصادی اسلام به‌عنوان یک رذیلت اخلاقی و یک عمل ناپسند.

این چهارده آیه دنبال تشریح مسئله انفاق درراه خدا و گذشتن از مال درراه خداوند است، آیاتی است که انفاق و بخشش جان است که آیات جهاد و دفاع می‌شود، این آیات بیشتر به انفاق مال و نعم الهیه اشاره دارد.

## بررسی آیات انفاق در تفسیر المیزان

مرحوم علامه طباطبایی می‌فرمایند که این چهارده آیه یک سرّ و فلسفه اصلی دارد و مفصل هم در تفسیر المیزان در مورد آن صحبت کرده است. ایشان در مورد اثر انفاق و اینکه جامعه بشری یک جامعه به‌هم‌پیوسته است صحبت کرده است و می‌فرماید اگر جامعه بخواهد سلامت روحی و فکری داشته باشد باید ثروت را تعدیل کرد و افرادی که صاحب تمکن هستند هرکسی به حدّ خودش باید اهل انفاق باشد.

## ابعاد انفاق

انفاق مثل بسیاری از عبادات مهم الهیه دو بعد دارد و در اسلام این دو جهت به هم‌آمیخته است، روزه یک عبادتی است که هم رابطه میان انسان و خدا را اصلاح می‌کند و هم انسان را متوجه محرومان و جامعه می‌کند، یعنی در یک عمل عبادی انسان یک پیوند با خدا دارد که آن اصل و محور است و در همان حال یک پیوند هم با خلق خدا و بالأخص محرومان و مستمندان دارد.

دقیقاً انفاق هم در تفکر اسلامی همین است، یعنی فرق مکاتب و تفکرات دیگری که می‌گویند شما باید مالیات بدهید با اسلام در همین است که اسلام انفاق را به‌عنوان یک عبادت تلقی کرده است، انفاق در قرآن کریم گاهی در مصادیق واجب و گاهی هم در مستحبات استعمال شده است.

انفاق چه واجب باشد مثل زکات و چه انفاقات مستحب که انواع صدقات باشد، همه این‌ها درواقع یک عبادت است یعنی اسلام می‌گوید وقتی می‌خواهی بذل و بخششی بکنی درواقع روح عملت را خدایی بکن تا انفاق تو در حدّ عبادتی مانند نماز یا روزه قرار بگیرد. درواقع انفاق یک هدیه معمولی که برای اظهار محبت باشد نیست بلکه امری است که در آن تقرب الی الله است.

## نیت اصلی انسان هنگام انفاق

غرض اصلی انسان در هنگام انفاق نباید فلسفه‌ها و حکمت‌های اجتماعی انفاق باشد بلکه روح بذل و بخشش درراه خدا باید کمال روحی و معنوی او باشد. اساس عبادات این است که انسان متوجه خداوند بشود و از خود و هوا و هوس‌ها بیرون بیاید و متوجه الطاف الهی باشد و لذت‌بخش‌ترین کارها برای کسانی که این واقعیت را درک بکنند عبادت است.

## بررسی آیات انفاق در تفسیر کشف الأسرار میبدی

در تفسیر کشف‌الاسرار میبدی این نکته آمده است که در آیات چهارده‌گانه سوره بقره و بعضی از آیات دیگر خداوند به هفت بیان مختلف انسان را به انفاق و گذشتن از مال برای خداوند تشویق کرده است. انفاق گذشتن از مال است نه برای مدح و ثنای دیگران و نه برای رفاه آن‌ها بلکه برای این است که خدا فرموده است یعنی انگیزه اصلی انفاق تقرب به خدا است.

ایشان در کشف الأسرار می‌فرمایند به چند بیان به انفاق ترغیب شده‌ایم، اولین وجه آن این است که قرآن ما را به انفاق امر کرده است، «**أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْناکمْ**[[4]](#footnote-4)» یا در آیه دیگری می‌فرماید: «**أَنفِقُواْ مِن طَیبَاتِ مَا کسَبْتُمْ[[5]](#footnote-5)**»، مؤمنین از آنچه ما به شما دادیم انفاق بکنید. کم‌وزیاد هم ندارد، آدمی هم که کم دارد همان انفاق کم او ممکن است از انفاق زیاد یک آدمی که دارد ثواب بیشتری داشته باشد، چون روح آن قصد تقرّب الهی است.

نوع دوم انفاق نوعی تلطّف و با یک لطافت خاصی است که خدا انسان را به انفاق ترغیب کرده است**. «مَّن ذَا الَّذِی یقْرِضُ اللّهَ قَرْضًا حَسَنًا[[6]](#footnote-6)»** کیست که به خدا قرض بدهد؟ البته منظور از قرض همان قرض‌الحسنه است اما گاهی انواع انفاق‌ها را هم شامل می‌شود، یا به‌عبارت‌دیگر خود قرض‌الحسنه هم نوعی انفاق است به همین خاطر به‌جای هم به کار می‌رود.

یعنی انسان قرض یا وامی را که به‌عنوان قرض‌الحسنه می‌دهد یا انفاقی که در ماه مبارک به محروم و مستمند می‌کند درواقع قرضی به خدا می‌دهد و آن را به خدا می‌سپارد و از همین آیه روایت شریفی استخراج می‌شد که می‌گوید: «وقتی‌که امام معصوم صدقه می‌داد دست خودش را می‌بوسید، وقتی از او علت را پرسیدند فرمود: من این دست را به دست خدا دادم و با اتصال به خدا و منبع غیبی تبرک شد.»

در بیان و شکل سوم انفاق به‌صورت وعده پاداش آمده است که حتی پاداش‌های دنیوی را هم شامل می‌شو‌د، گاهی هم به‌صورت وعید و وعده عذاب و تهدید می‌آید، «**لَن تَنَالُواْ الْبِرَّ حَتَّی تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَ[[7]](#footnote-7)**» مطمئن باشید به مقام نیکوکاری نخواهید رسید تا وقتی‌که ازآنچه دوست می‌دارید انفاق بکنید.

«**و َلا یحْسَبَنَّ الَّذِینَ یبْخَلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَیرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ[[8]](#footnote-8)** فکر نکنید که اگر درراه خدا بخل ورزیدید چیزی را برای خود نگه داشتید، این بدترین چیزها برای شما است.**»** این هم‌زبان تهدید است.

گاهی هم به‌صورت نصیحت آمده است: «**الشَّیطَانُ یعِدُکمُ الْفَقْرَ[[9]](#footnote-9)**» اساس بخل این است که شیطان به شما وعده فقر و ناداری می‌دهد، از این نترسید، خداوند دارای بذل و بخشش است و شما به این پیام شیطان گوش ندهید.

## اصحاب صفّه

مهاجرینی که از مکه به مدینه مهاجرت کردند مدتی جا و مکان نداشتند و در صفّه‌ای زندگی می‌کردند، به همین خاطر به اصحاب صفّه مشهور شدند. شخصیت‌های بسیار بزرگ و اصحاب بسیار برازنده و برجسته‌ای در میان آن‌ها بودند، آن‌ها از همه‌چیز محروم بودند چون همه‌چیز خود را در مکه باقی گذاشتند و به خاطر خداوند از تعلقات مادی بیرون آمدند و زجر درراه خدا را برای خود پذیرفتند.

انصار هم که اهل مدینه و در خانه‌هایشان بودند و امکاناتی داشتند از اصحاب صفه پذیرایی می‌کردند، در بعضی از تفاسیر در شأن نزول چند آیه بعدی سوره بقره نازل‌شده است این‌طور آمده است که آن‌ها گاهی برای مهاجرین از خرماهای بد خود می‌آوردند، اینجا است که آیات وارد شد: «**أَنفِقُواْ مِن طَیبَاتِ مَا کسَبْتُمْ[[10]](#footnote-10)**» خوب‌ها را در راه خدا انفاق بکنید نه آن چیزهایی که دیگر از بین رفته است و مشتری ندارد، **«وَ لا تَیَمَّمُوا الْخَبِیث مِنْهُ[[11]](#footnote-11)**» آن چیزی که خبیث است را انفاق نکنید، هنر شما در بندگی این است که ازآنچه دوست می‌داری و به آن تعلق داری درراه خدا ببخشی.

## آثار انفاق

در این چهارده آیه سوره بقره دو مثال برای انفاق درراه خدا آمده است و دو مثال هم برای انفاق درراه غیر خدا و بر اساس انگیزه‌های غیر خدایی آمده است.

اولین مثال انفاق درراه خدا است که در اولین آیه از این چهارده آیه آمده است. «**مَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللّهِ کَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنابِلَ فِی کُلِّ سُنْبُلَةٍ مِأئَةُ حَبَّةٍ وَ اللّهُ یُضاعِفُ لِمَنْ یَشاءُ وَ اللّهُ واسِعٌ عَلِیمٌ[[12]](#footnote-12)**» مثل کسانی که مال خودشان را در راه خداوند انفاق می‌کنند مثل دانه‌ای است که هفت خوشه از آن می‌روید و در هر خوشه صد دانه وجود دارد.

وقتی‌که درراه خدا انفاق می‌کنید مثل آن کشاورزی هستید که یک‌دانه از گندم را برمی‌دارد در یک زمین مستعد آن را زرع می‌کند و آن دانه مبدل به هفت خوشه می‌شود و در هر خوشه صد دانه می‌روید، یعنی یک‌دانه مبدل به هفت‌صد دانه می‌شود.

در همه جهات همین‌طور است، انسان اگر عمرش را برای خدا قرار بدهد این مبدل به مقداری خیلی بیش از اصل آن می‌شود و برکت آن خیلی افزون‌تر از آن چیزی است که مصرف کرده است، انسان اگر ده روز و یک ماه و شش ماه و دو سال در جبهه به امر امام و برای دفاع از اسلام بجنگد آن دو سال سرمایه خیلی زیادی برای او می‌شود.

اگر کسی عمری را برای تحصیل و تبلیغ دین مصرف کرد آن مقدار مبدل به خیلی مقدار بیشتر می‌شود و همین‌طور انسان هر کار خیری که بکند مبدل به مقادیر بسیار افزون‌تری می‌شود.

اینجا است که نباید تعجب کرد اگر در احادیث آمده که هر گامی که شما برای حضور در جماعت و جمعه برمی‌دارید چه ثواب‌ها که برای آن ذکرشده است، هر عددی که بر افراد اهل جماعت و جمعه افزوده بشود چه ثواب‌ها که برای آن افزوده می‌شود، این‌ها در بارگاه ربوبی خدا چیزی نیست. از تو یک‌قدم و از خدا صدها قدم و نگاه لطف و محبت است که به تو متوجه می‌شود.

همه قدرت‌ها و جنود الهی و آسمان و زمین دست خدا است و از ناحیه او جزء لطف و عنایت و رحمت چیزی نیست، اگر شما سختی از ناحیه تکالیف الهی احساس می‌کنید بدانید که در آن سختی نعمت‌ها و رحمت‌های بسیار زیادی نهفته است.

اگر در جامعه انفاق درراه خدا قانون و سنّت الهی بشود خیلی از مشکلات برداشته می‌شود، بخش زیادی از مصائب و مشکلات بشر در طول تاریخ به مسائل اقتصادی برمی‌گردد، بسیاری از گناهان و رذایل اخلاقی از مسائل اقتصادی شروع می‌شود، بسیاری از حسادت‌ها و کبرها ازاینجا شروع می‌شود که یک شکاف محسوسی میان فقیر و غنی دیده بشود.

جهان امروز مبدل به دو قطب شده است که یک‌قطب آن‌قدر سیر است که شکمش از تراکم ثروت در حال پاره شدن است و یک‌قطب آن در گرسنگی‌ها وجود دارند، اینکه میلیون‌ها کودک از گرسنگی و سوءتغذیه دچار آن‌همه مصیبت می‌شوند و این‌که در آفریقا قحطی و امثال آن مصیبت‌هایی را ایجاد بکند برای جامعه بشری چیز کمی نیست،

جامعه بشری یک واحد به‌هم‌پیوسته است و نکبت فقیران دامن ثروتمندان را می‌گیرد، انشقاق جامعه به قطب غنی و فقیر و عدم تعادل ثروت موجب بلاها و سختی‌ها و جنگ‌ها و نابسامانی‌ها و رذایل فراوان اخلاقی می‌شود، اینجا است که خدا می‌فرماید کار شما مانند دانه‌ای است که هفت‌صد دانه از خودش نتیجه می‌دهد، به تعبیر مرحوم علامه طباطبایی (رضی) این هم دنیا را می‌گیرد و هم آخرت را می‌گیرد، در همین دنیا اگر قرار بر انفاق و حدّ تعادلی در زندگی مادی باشد همه آرام‌تر زندگی می‌کنند و جامعه سالم و آرام منفعتی برای شخص انفاق کننده هم است، البته نتیجه اصلی این بذر را در جهان آخرت خواهند دید.

## پنج رکن اصلی انفاق

«**الَّذِینَ ینفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللّهِ ثُمَّ لاَ یتْبِعُونَ مَا أَنفَقُواُ مَنًّا وَلاَ أَذًی** **لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلاَ خَوْفٌ عَلَیهِمْ وَلاَ هُمْ یحْزَنُونَ[[13]](#footnote-13)**» کسانی که در راه خدا انفاق می‌کنند اموالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند و با دو چیز آن را باطل نمی‌کنند، اولین شرط داخلی انفاق این است که قصد قربت و فی سبیل الله باشد، دومین شرط این است که دنبال انفاق منّت نباشد، و شرط سوم هم این است که به دنبال انفاق اذیت و آزار نباشد. گاهی این‌طور گفته می‌شود که منّت این است که انسان به خود شخص بگوید و اذیت این است که آدم به دیگری بگوید که من این کمک را به او کردم درحالی‌که این شخص نمی‌خواهد که تو کمک خود را افشا بکنی.

شرط بعدی این است که آنچه را که انفاق می‌کنی از مال خوب باشد و شرط پنجم هم این است که به کسی که می‌دهی در موضع درست مصرف بشود.

**لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلاَ خَوْفٌ عَلَیهِمْ وَلاَ هُمْ یحْزَنُونَ[[14]](#footnote-14)** برای کسانی که این‌گونه انفاق می‌کنند و به‌عنوان یک عبادت به دیگران رسیدگی می‌کنند اجر آن‌ها پیش خدا است، این همان تعبیری است که برای شهدای درراه خدا آمده است، و آن‌ها در آن عالم نه ترسی دارند و نه حزنی دارند، ترس از آینده است و حزن مربوط به زمان حال است، ترس انسان این است که آینده چطور بشود، حزن همان غمی است که همین الآن انسان به خاطر مشکلات دارد.

**بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ وَ الْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنسَانَ لَفِی خُسْر، إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ[[15]](#footnote-15)**

## خطبه دوم

**أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم بسم الله الرّحمن الرّحیم نَحْمَدُهُ عَلَی مَا کَانَ وَ نَسْتَعِینُهُ مِنْ أَمْرِنَا عَلَی مَا یَکُونُ[[16]](#footnote-16)** **و نؤمن به و نتوکّل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور أنفسنا و سیّئات أعمالنا و نصلّی و نسلّم علی سیّدنا و نبیّنا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا أبو القاسم محمّد (ص)، و علی وصیّه و خلیفته سیّدنا و مولانا و** **امامنا** **امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب و علی الصّدیقة الطاهره فاطمة الزّهراء و علی الحسن و الحسین سیّدی شباب أهل الجنّة و علی أئمّة المسلمین علی ابن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن ابن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)** **حُجَجِکَ علی عِبادِک وَ اُمَنائِکَ فی بِلادِک** **وَ** **ساسَةَ الْعِبادِ وَ اَرْکانَ الْبِلادِ وَ اَبْوابَ الاْیمانِ وَ اُمَناَّءَ الرَّحْمنِ وَ سُلالَةَ النَّبِیّینَ وَ صَفْوَةَ الْمُرْسَلینَ وَ** **عِتْرَةَ خِیَرَةِ ربّ العالمین[[17]](#footnote-17)** **أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم بسم الله الرّحمن الرّحیم أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ[[18]](#footnote-18) وَ لَا تَکونُوا کالَّذِینَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُوْلَئِک هُمُ الْفَاسِقُون[[19]](#footnote-19) لَا یسْتَوِی أَصْحَابُ النَّارِ وَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ[[20]](#footnote-20) عِبَادَ اللَّهِ أُوصِیکمْ و نَفسِی بِتَقْوَی اللَّه و ملازمة أمره و مجانبة نهیه فتجهّزوا عباد الله فقد نودی فیکم بالرّحیل و تزوّدوا فإنّ خیر الزّاد التقوی**

## عظمت حضرت خدیجه (س)

روز دهم ماه مبارک رمضان روز وفات حضرت خدیجه (س) است. پیغمبر اکرم (ص) در مورد ایشان فرمودند**: «أینَ مِثْلُ خَدیجَةَ، صَدَّقَتْنی حِینَ کذَّبَنی النَّاسُ[[21]](#footnote-21)»** وقتی‌که مردم به من پشت کردند و من را تکذیب می‌کردند و ایمان و اعتقادی به من نداشتند خدیجه مجاهدت و سربازی کرد و مانند او کجا پیدا می‌شود؟ پیامبر اسلام تا وقتی‌که خدیجه را داشت زن دیگری نداشت.

ایشان از آن زن‌های برجسته و مجاهد و جانباز درراه خدا بود که به آن مقامی رسید که رسول مکرّم اسلام حضرت محمد ابن عبدالله (ص) تا آخر عمرشان همواره از خدیجه باعظمت و با تجلیل و تمجید کم‌نظیر یاد می‌کردند و در همین جمله هم می‌فرمایند:‌ در میان زن‌ها دیگر مانند خدیجه کجا پیدا می‌شود؟

خدیجه‌ای که در تنهایی پیغمبر (ص) و در غربت محض اسلام شانه‌به‌شانه پیامبر حرکت می‌کرد و قدم جای پیامبر می‌گذاشت و مصداق همان آیه انفاق بود که می‌گفت: «**مَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللّهِ [[22]](#footnote-22)».** کار حضرت خدیجه همان کاری بود که یک‌دانه زرع کرد اما دانه‌های فراوانی را درو کرد، آن مالی که حضرت خدیجه برای تبلیغ و پیشرفت اسلام و برای مبارزه با دشمنان اسلام مصرف کرد ارکان و پایه‌های اسلام را چنان استوار کرد که تا تاریخ باقی است اسلام مرهون خدمات و مجاهدت‌های آن بانوی نمونه اسلام است.

این نمونه مال بابرکت است، این نمونه اعلای انفاق و گام زدن درراه خدا است، خدیجه در تنهایی اسلام، خدیجه وقتی‌که همگانی پیامبر را مسخره می‌کردند، همه اهل مکه پیامبر را آزار می‌دادند، به او سنگ می‌زدند و به او دشنام می‌دادند، در آن شرایط خدیجه در جماعت پیامبر حاضر می‌شد و پشت سر ایشان نماز می‌خواند و در کنار آن‌ها علی ابن ابیطالب بود.

این دو شخصیت نمونه‌های برتری هستند که احدی به‌جز معصومین به مقام والای آن‌ها نمی‌رسد و در میان زنان هیچ‌کس به بلندپایگی و به اعتلای مقام خدیجه نرسید، او در غربت‌ها یار باوفای پیامبر بود، او در ناداری‌ها اموالش را برای خدا مصرف کرد، او در بی‌چیزی‌ها ثروت خودش را به‌پای نهال برومند اسلام ریخت.

## توصیه‌ای به خواهران

خواهران گرامی شما باید نمونه و الگوی خودتان را از حضرت خدیجه و حضرت زهرا (س) بگیرید. ارزش زندگی انسان و نعمت‌هایی که خدا به انسان داده است این است که درراه آرمان‌های بزرگ مصرف بشود و خدیجه مصداق کسی است که هستی خودش را پای اهداف بلند اسلام مصرف کرد و زن‌ها و دختران و جوانان باید از این الگوها درس بگیرند نه از الگوهای فساد آمیز غربی که امیدواریم که همه آن‌ها به شناخت این اسوه‌ها موفق بشوند.

## سالگرد شهادت حضرت آیت‌الله شهید صدوقی

روز دهم ماه مبارک رمضان سالگرد شهادت شهید محراب و مجاهد بزرگ اسلام حضرت آیت‌الله شهید صدوقی است، ایشان از ارکان و شخصیت‌های بزرگ انقلاب بودند و از سال‌های قبل از انقلاب از یاران و فداکاران درراه انقلاب و اسلام بودند. مرحوم آیت‌الله شهید صدوقی یک شخصیت برجسته و مایه عزت و آبروی این کشور بود و در دوره انقلاب از ارکان قوی و از عناصر مؤثر در پیشرفت نهضت اسلامی بود که عاقبت همان‌طور که عمر خودش را درراه خدا مصرف کرد در پایان هم جان خودش را به معبود خودش داد و با شهادت به پیشگاه خداوند مشرف شد.

ان‌شاءالله که روح ایشان در جوار ارواح طیبه اولیاء و معصومین قرار بگیرد و خدا به همه ما توفیق آشنایی با مقام شهدا عنایت بفرماید.

## انتخابات ریاست جمهوری

کشور ایران در آستانه یک انتخابات سرنوشت‌ساز است. اصل وجود انتخابات و برگزاری آن در طول دوره ممتد انقلاب و حتی در زمان جنگ از افتخارات بزرگ این کشور است و اینکه ملت با رهبران خودشان و برای اداره خودشان پای صندوق‌های رأی رفتند، اما در دنیایی که استکبار کمر همت را بر محو اسلام و مقابله با آن بسته است و پرافتخارترین سندهای این ملّت را فراموش می‌کنند، درحالی‌که وقتی در یک‌گوشه‌ای از دنیا یک انتخابات بی‌حساب‌وکتاب برگزار شود بوق و کرنا می‌کنند که آنجا انتخابات بوده است ولی وقتی‌که از طریق انتخابات ملت‌ها به اسلام برمی‌گردند دیگر رأی و انتخابات بی‌ارزش می‌شود.

وقتی‌که در الجزایر از طریق انتخابات ملت بزرگ الجزایر به اسلام برمی‌گردد آن انتخابات ارزشی ندارد، وقتی‌که در ترکیه به حزبی که گرایش اسلامی دارد رأی داده می‌شود سعی می‌کنند آن را نبینند و در کشور ایران که در تب‌وتاب انقلاب انتخابات داشت، کشوری که در زمان جنگ که در کمتر کشوری می‌توانند انتخابات داشته باشند چندین انتخابات داشت، همه این‌ها را به طاق نسیان می‌زنند بلکه علیه آن تبلیغ هم می‌کنند.

در این روزها هم که ایران در آستانه انتخابات است دیده می‌شود که علیه انتخابات ایران راه در دنیا چقدر سروصدا راه می‌اندازند درحالی‌که برای یک انتخابات پوچ بی‌فایده‌ای چقدر تبلیغ می‌کنند. این همان برخورد دوگانه‌ای است که در متن سیاست خارجی ایران مقابله با آن قرار دارد.

## مراکز اصلی قدرت در ایران

اگر قانون اساسی که به دست بزرگان و خبرگان ایران تنظیم شد را ببینند متوجه می‌شوند که تمام قدرت‌ها به شکل بسیار دقیق و منظم به دست خود مردم برمی‌گردد ضمن اینکه وجهه دینی و مشروعیت الهی در آن محبوس شده است، ارکان اداری کشور ایران و سیاست‌گذاری‌های آن به شش رکن اصلی برمی‌گردد، یکی رهبری است، یکی ریاست جمهوری است، یکی نمایندگان مجلس است و یکی دولت است و یکی هم شوراهای شهرها و استان‌ها است که هنوز تشکیل نشده است.

رهبری و مشروعیت نظام، قوای سه‌گانه، نمایندگان رهبری و همه آنچه از ناحیه رهبری مشروعیت پیدا می‌کند و در رأس این هرم رهبری قرار می‌گیرد. بخش وسیعی از مدیریت کشور ریاست جمهوری است، بخش وسیعی از سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کشور نمایندگان هستند و بعد هم دولت و شوراهایی که سال‌های بعد تشکیل خواهد شد. قوه قضائیه هم به خود رهبری برمی‌گردد.

این ارکان پنج‌گانه کشور با شکل‌های مختلف به آراء مردم برمی‌گردد. رهبری به دلیل آن قداست و عظمتی که دارد از طریق آگاهان ملت و خبرگان به فقه و فقاهت و احکام الهی انتخاب می‌شود، خبرگان هم با آراء این ملت انتخاب می‌شوند، ریاست جمهوری در این کشور با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و دولت هم به ریاست جمهوری و مجلس برمی‌گردد و مجلس هم که اساس قدرت از ارکان اصلی کشور است باز به آراء مردم برمی‌گردد.

قانون اساسی در پرتو تعالیم اسلام و با اتکا به بیعت و رأی مردم به اسلام برگزارشده است و این برای کشوری با این تنگناها بالاترین افتخار است، این ثمره آن نورانیت اسلام و امام بود که در این کشور متجلی شد و دشمن‌ها می‌خواهند آن را هیچ بدانند، یک عده مزدور هم در کشور پیدا می‌شوند که با انقلاب سرخوشی ندارند و تحت تأثیر تبلیغات دشمن‌ها در مجلات و روزنامه‌هایشان می‌نویسند و یک روز علیه اصل نظام، یک روز علیه ولایت‌فقیه، یک روز علیه روحانیت و درمجموع همه آن‌ها علیه این ملت تبلیغ می‌کنند.

این ملت از مهالک بسیار دشواری عبور کرده و این به خاطر قانون اساسی بسیار قوی است که طراحی شده است و البته همه این‌ها در پرتو لطف خدا و به برکت خون شهدا و برکات امام راحل (ره) است.

آنچه اصل است تشویق به اصل انتخابات است، این چیزی است که مقام معظم رهبری هم بر آن تأکید کردند و وظیفه همه ملت است که درصحنه انتخابات حاضر شوند.

1. . نهج‌البلاغه، خطبه 98. [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره مبارکه التوبه، آیه 119. [↑](#footnote-ref-2)
3. . نهج البلاغه، خطبه 204. [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره مبارکه البقره، آیه 254. [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره مبارکه البقره، آیه 267. [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره مبارکه البقره، آیه 245، سوره مبارکه الحدید، آیه 11. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره مبارکه آل عمران، آیه 92. [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوره مبارکه آل عمران، آیه 180. [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره مبارکه البقره، آیه 268. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره مبارکه البقره، آیه 267. [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره مبارکه البقره، آیه 267. [↑](#footnote-ref-11)
12. . سوره مبارکه البقره، آیه 261. [↑](#footnote-ref-12)
13. . سوره مبارکه البقرة، آیه 262. [↑](#footnote-ref-13)
14. . سوره مبارکه البقرة، آیه 262. [↑](#footnote-ref-14)
15. . سوره مبارکه العصر. [↑](#footnote-ref-15)
16. . نهج البلاغه، خطبه 98. [↑](#footnote-ref-16)
17. . زیارت جامعه کبیره. [↑](#footnote-ref-17)
18. . سوره مبارکه الحشر، آیه 18. [↑](#footnote-ref-18)
19. سوره مبارکه الحشر، آیه 19.. [↑](#footnote-ref-19)
20. . سوره مبارکه الحشر، آیه 20. [↑](#footnote-ref-20)
21. . بحار الأنوار: ج 43، ص 131. [↑](#footnote-ref-21)
22. . سوره مبارکه البقره، آیه 261. [↑](#footnote-ref-22)